

بازتاب شخصیت کودک متفکر و اجتماعی در فیلم درد و افتخار ساخته ی پدرو آلمادوار

لیلا کسایی^۱

غلامرضا آذری^۲

مهگان فرهنگ خاقانیپور^۳

چکیده

این مقاله برآن است تا ضمن بررسی آخرین فیلم " پدرو آلمادوار " به نام " درد و افتخار " با نگاهی متفاوت به فیلم، مخاطب خود را از زاویه‌ای دیگر به تفکر فرا خواند، فیلم در میان منتقدین و تحلیل‌گران به فیلمی عاشقانه با موضوع زندگی، همراه با نگاه شخصی آلمادوار معرفی شده است. اما می‌توان کودکی سالوادور " قهرمان فیلم " و فلش‌بک‌های بسیاری که زمان حال او را به گذشته مرتبط می‌سازد را مورد توجه و بررسی قرار داد.

و دوران کودکی را به صورت مفهومی و تصویری بررسی نمود. سالوادور قهرمان اصلی فیلم را کودک متفکر و اجتماعی نامید و نگاه سینماگر و فیلم را با نقدی متفاوت به چالش کشید " درد و افتخار " از جمله فیلم‌هایی است که کودکانه‌ی زیبایی را از ابتدا تا انتها نشان می‌دهد. می‌توان این‌گونه بیان نمود که موضوعات خاص و پرداخت صحیح به آن در توان هر فیلم‌سازی نیست.

واژگان کلیدی: فیلم- کودک متفکر- پدرو آلمادوار- درد و افتخار- جامعه- سینما

۱ کارشناسی ارشد هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا. I_kassai@yahoo.com

۲ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی دانشکده علوم اجتماعی، ارتباطات و رسانه.

azarigh2012@gmail.com

۳ دانشجوی دکتری مدیریت ارتباطات (گروه رسانه و سینما)، دانشگاه موریسیا.

mahganfarhang@yahoo.com

۱- مقدمه

سینما به عنوان عنصری فرهنگی و اجتماعی می‌تواند ما را به عمق لایه‌های حیات اجتماعی انسان برساند. رویکرد این فیلم واقع‌گرایانه است و به همین دلیل تأثیر آن بر مخاطب شگفت‌انگیز است.

کودکان و نوجوانان در هر جامعه از تأثیر پذیرترین افراد هستند. هرچند که این تأثیرات آموزشی باشد یا مسائل و مشکلات اجتماعی، در این میان رسانه‌ها همیشه قدرتمندترین بیان را برای مخاطب خود داشته‌اند و سینما یکی از قوی‌ترین آنها محسوب می‌شود. فیلم‌سازی هستند که در آثارشان به کودکان اشاره می‌کنند. زیرا که کودکی شکل دهنده‌ی اصلی زندگی هر فرد است. پرداختن به دنیای کودکی در فیلمی که ساختار اصلی آن برای بزرگسالان است، کاری بس دشوار است در طول تاریخ سینما بوده‌اند کارگردانانی که زیرکانه دست به ساخت چنین فیلم‌هایی زده‌اند، اساساً ساخت فیلم، هنری ساخته حافظه است که فردی و جمعی است.

فیلم یک هنر است. آموزش فیلم‌گاہ در مورد خاطراتی است که از طریق صدا و تصویر منتقل می‌شود، رویارویی با علائم و حرکات فراموش شده، کشف چهره‌ها از گذشته و محیطی که از آن ما بوده و والدین و اجداد ما در آن بوده‌اند. این یک آشنایی مجدد با زمان فراتر از تصاویر است که نشان می‌دهد اگر سینما یک هنر است بیش از هر چیز هنر حافظه، فردی و جمعی است (Clarembaux, 2010: 3).

مرور پیشینه‌ها

لیلا مکتبی فرد (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان: سیر تحول و شکل‌گیری مهارت‌های تفکر انتقادی در داستان‌های تألیفی ایرانی برای کودکان و نوجوانان این گونه بیان می‌کند: داستان نقشی حیاتی در شکل‌گیری مهارت‌های تفکر انتقادی دارد. هدف از پژوهش حاضر، کشف امکانات بالقوه داستان‌های معمولی در تقویت و شکل‌گیری مهارت‌های تفکر انتقادی در کودکان است. مهارت‌های تفکر انتقادی مورد بررسی عبارتند از: هدف، طرح پرسش، اطلاعات، داده، شاهد، تجربه، استنباطها و تفاسیر، پیش‌فرض‌ها، استلزامات و پیامدها، نظرات، انصاف (بیطرفی)، تواضع، رشادت، همراهی، استحکام، و پشتکار ذهنی، اطمینان در تفکر، تسلط بر خودمحموری،

بازتاب شخصیت کودک متفکر و اجتماعی در فیلم درد و افتخار ساخته ی پدرو

آلمادوار/۱۴۷

و قابلیت‌های استدلال اخلاقی. در این پژوهش با استفاده از روش تحلیل محتوا، میزان

مهارت‌ها و مؤلفه‌های تفکر انتقادی از دیدگاه ریچارد پل در داستان‌های تألیفی که در فاصله سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۸۵ در فهرست کتاب‌های «ج» کودکان گروه سنی مناسب شورای کتاب کودک به ثبت رسیده‌اند، بررسی شده است..

مهرنوش هدایتی و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان: کودکان متفکر، روابط میان‌فردی مؤثر مطالعه تحقیقی پیرامون تأثیر برنامه «فلسفه برای کودکان» بر ارتباطات اجتماعی کودکان این گونه بیان می‌کند: هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر اجرای برنامه به صورت «فلسفه برای کودکان» اجتماع پژوهشی، بر بهبود مهارت‌های میان‌فردی در دانش آموزان پایه‌های تحصیلی

سوم تا پنجم ابتدایی در دبستان‌های دخترانه و پسرانه منطقه ۵ آموزش و پرورش شهر تهران بود.

میرفخرایی، تژا، صامتی مرضیه، (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان: مطالعه نشانه شناختی تصویر کودکی در سینمای کودک و نوجوان ایران مطالعه موردی مفهوم کودکی در فیلم «کودک و فرشته» این گونه بیان می‌کند: یکی از مواردی که به تصورات ما از مفهوم کودکی شکل می‌دهد، فیلم‌های سینمایی است. این فیلم‌ها، تئوری‌های فضایی درباره رشد جسمی، شناختی و فرضیه‌هایی درباره این که کودکان چگونه باید باشند، ارائه می‌دهند و از این منظر، دیدگاه‌ها و جهان بینی‌هایی را شامل می‌شوند که هرگز تصادفی نبوده و یقیناً به خودی خود به وجود نیامده‌اند. فیلم‌های سینمایی به عنوان ژانری از تولیدات رسانه‌ای، به نوعی ساختار اجتماعی و سیاسی نیز محسوب می‌شوند. در واقع تصویر ارائه شده از کودک در بسیاری از فیلم‌ها، بیانگر مطیع سازی حساب شده و دقیق او، به عنوان فردی تابع است، فردی که می‌بایست پیرو برنامه‌هایی باشد که بزرگسالان برای وی تعیین می‌کنند.

کین، جودیت (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان: حافظه فرهنگی در سینمای جنگ اروپایی و کودک شاهد این گونه بیان می‌کند: مورخان و نظریه پردازان فرهنگی، قدرت سینما را برای ارائه داستان‌هایی که به گذشته شکل و انسجام می‌دهند،

شناخته‌اند. استعاره از کودک شاهد یک منشأ خاص در سینمای اروپایی بوده است که تاریخچه جنگ و آسیب را نگاشته است. این مقاله روش‌هایی را که از زمان جنگ جهانی دوم به کار گرفته شده‌اند، دوباره مورد استفاده قرار داده و ردیابی می‌کند، میراث اجتماعی و روانشناختی خشونت جنگ را به ترتیب تاریخ شرح می‌دهد: در اروپا و ایتالیا پس از جنگ جهانی دوم؛ در اسپانیا در طی سال‌های اولیه حکومت دیکتاتوری فرانکو؛ و در سینمای اسپانیایی پس از سه دهه حکومت دموکراسی.

بیان مسئله

فیلم در شکل‌های مختلف دارای اهمیتی متفاوت در میان مردم است و دلیل آن بازنمایی واقعی آن است سینما به عنوان هنر هفتم شناخته می‌شود، نباید فراموش نمود که در بحث رسانه بودنش دارای تأثیری بیشتری است.

از آنجا که فیلم‌های سینمایی در هر جامعه‌ای از واقعیت‌های اجتماعی همان جامعه نشأت می‌گیرند بر اساس دیدگاه "جاروی" می‌توان برای شناخت هر جامعه در هر دوره‌ای به هنر آن دوره و قدرتمندترین آن سینما مراجعه کرد. (Jarvi.1988:5)

برخی از فیلمسازان علاوه بر ساخت یک فیلم و بیان یک داستان، دغدغه‌هایی خاص و متفاوت را بیان می‌کنند برخی از آنها در لابلای واقعیتی که در فیلم خود روایت می‌کنند زیرکانه به موضوعاتی خاص و حتی اساسی و جهان شمول اشاره دارند.

بیان موضوعات خاص و پرداخت صحیح به آن در توان هر فیلمساز نیست. اما فیلمسازان باهوش به خوبی از پس این بیان برمی‌آیند. در سینما همیشه به فیلم‌ها از منظر نقد یا تحلیل زیبایی شناسی فرم یا محتوا نگاه می‌شود. اما فیلم‌ها می‌توانند دستمایه‌ی مطالعات بسیاری در موارد دیگر باشند.

"پدرو آلمادوار" کارگردان اسپانیایی، دارای ساختار سینمای خاصی است. او در فیلم‌های خود همواره مسایلی را مطرح می‌کند که کمتر کسی جرات پرداختن به آن‌ها را دارد.

بازتاب شخصیت کودک متفکر و اجتماعی در فیلم درد و افتخار ساخته ی پدر و

آلمادوار//۱۴۹

آخرین فیلم او " درد و افتخار" که در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد فیلم زندگی اجتماعی یک کودک است که با فلش بک به دوران کودکی، آن را به وضوح نشان داده است.

آلمادوار در این فیلم با دنیای کودکی ارتباط بسیار زیادی برقرار کرده است. اینگونه می‌توان گفت که بهترین لحظه های فیلم را با ردو بدل کردن کودکی می‌گذرانند. به همین ترتیب این فیلم از این جهت نیز قابل بحث و بررسی است. شخصیت اصلی فیلم " سالوادور" بیان کننده ی یک کودک متفکر و اجتماعی است. جوزف فیدرستون می‌نویسد: تصاویری که هنرمندان و نویسندگان از کودکی طراحی می‌کنند، منبع مهمی محسوب می‌شوند. این تصاویر گاهی با تفکر عامه تعامل دارند و نیز غالباً منجر به بررسی تصویر عمیقی از تنگناها و تنش‌های فرهنگی ناشناخته می‌شوند (جکسون، ۱۳۸۵: ۱۰)

کودکی و دوران کودکی از موارد مهم پر رنگ در این فیلم است و آلمادوار با تأکید فراوان آن را در فیلم خودش بیان می‌کند.

اهداف

با مطالعه و تحلیل آثار سینمایی می‌توان به بررسی بسیاری از مسائل واقعی پرداخت. یکی از نکاتی که در کنار قصه ی اصلی فیلم که پرداختن به زندگی یک کارگردان مطرح است، پرداختن به دوران کودکی است و تأثیری که کودکی بر شخصیت یک فرد داشته است .

فیلم‌ها، همواره نمایانگر بخشی از زوایای خاموش فرهنگی جامعه‌ای هستند که آنها را به عنوان کالاهای فرهنگی به سایر ملل عرضه می‌دارند. در واقع، فیلم‌ها همان بسته‌های فرهنگی هستند که البته، از یک جامعه به سایر جوامع عرضه می‌شوند. (آذری و صفا، ۱۳۹۲: ۱۲۷)

در این فیلم می‌توان شاخص‌های کودکی را دید که دارای تفکر انتقادی است و انسان اجتماعی محسوب می‌شود. فیلمی که در آن لحظات نابش با فضای لطیف و

تأثیرگذار کودکی قهرمان فیلم نشان داده می‌شود و با صحنه‌ای از کودکی پایان می‌پذیرد.

دوران کودکی با آینده‌ی فرد پیوند خورده است. بازتاب یک دوره از زندگی در مرحله‌ی خاصی از بزرگی. اینجا نقش بازتاب یک بخش از زندگی را در یک اثر هنری یا یک رسانه می‌توان دید. محتوای رسانه‌ها منبع قدرتمند معنا درباره‌ی جهان اجتماعی است (دوروکس، ۲۰۰۹: ۱۲۸)

روش شناسی

در سال‌های اخیر با توجه به ورود روش‌های تجربه‌گرایانه (پوزیتیویستی) به حوزه‌های پژوهش در هنر و ادبیات، و نتایج سودبخشی که در کمیّت بخشی به رفتارهای انسانی و آثار ادبی-هنری حاصل گردیده، پژوهشگران هنر و ادبیات... و منتقدان هنری نیز از این مسئله بهره برده‌اند. در تجزیه و تحلیل آثار هنری روش‌های گوناگونی وجود دارد از جمله‌ی این روش‌ها می‌توان به رویکردهای زبان‌شناسانه، روان‌کاوانه، فرمالیستی، نشانه‌شنا سانه، هرمنوتیکی، اسطوره‌ای و... اشاره کرد. چنان که مشاهده می‌گردد، بنیان همه‌ی این روش‌ها بر پژوهش‌های کیفی استوار است مقاله حاضر از نظر هدف، کاربردی است. با استفاده از زمینه و بستر شناختی و معلوماتی که از طریق تحقیقات بنیادی فراهم شده، برای رفع نیازمندی‌های موجود در ساختار فیلم‌های مختلف قابل واکاوی است. و به هدف بهبود و بهینه‌سازی ابزارها، اشیا و الگوها در جهت توسعه رفاه و آسایش و ارتقای سطح نگاه مخاطب به زندگی انسان مورد استفاده قرار گرفته است.

واز نظر ماهیت و روش از نوع توصیفی- تحلیلی است. با توجه به عنوان انتخابی، به شرح و توصیف فیلم درد و افتخار ساخته‌ی پدرو آلمادوار و دیدگاه پنهان او در تأثیرات اجتماعی و کودکان متفکر، به اصول و خلاقیت‌های بکار رفته در این فیلم و تجزیه و تحلیل آن پرداخته شده است، که به منظور توصیف عینی و کیفی محتوای مفاهیم به صورت نظام دار انجام می‌شود. در واقع قلمرو این اثر را متن‌های مکتوب، شفاهی و تصویری درباره موضوعی خاص تشکیل می‌دهد. (حافظ نیا، ۱۳۸۸: ۳۰)

بازتاب شخصیت کودک متفکر و اجتماعی در فیلم درد و افتخار ساخته ی پدرو

آلمادوار//۱۵۱۱

هدف شناخت یک فیلم در یک جامعه آماری گسترده است و موضوع می‌تواند متوجه صفات، ویژگی‌ها، کارکردها و متغیرهای آن بوده و یا روابط بین متغیرها، صفات آنها، کنش‌ها و واکنش‌ها و همچنین عوامل تأثیرگذار در جامعه را مورد بررسی قرار دهد. جامعه آماری عبارت از کلیه عناصر و افرادی است که در یک مقیاس جغرافیایی مشخص (جهانی یا منطقه‌ای) دارای یک یا چند صفت مشترک هستند. (حافظ نیا، ۱۳۹۹: ۲۵۰)

سینمای متفکر

ویکتوریا الکساندر در کتاب جامعه‌شناسی هنرها معتقد است که رویکرد بازتاب در جامعه‌شناسی هنر مشتمل بر حوزه‌ی گسترده‌ای از تحقیقات مبنی بر این عقیده‌ی مشترک هستند که هنر آینه‌ی جامعه است (Alexander, 2003: 22).

سینمای امروز حتی به مثابه ابزاری ایدئولوژیک، گفتمان و عقاید، جهت انتقال دارای اهمیت است. فرهنگ و معنا به سایر جوامع می‌تواند نقش بسیار مهمی در مناسبات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بازی کند. بنابراین پژوهش و بررسی محتوای کالاهای فرهنگی هر دوره نقش مؤثری در ارائه و تقویت هنجارها و ارزش‌ها ایفا می‌کند، در این میان تحلیل آثار سینمایی پر بیننده، تلاشی در جهت شناخت جنبه‌هایی از فرهنگ و تغییرات فرهنگی است که در این آثار منعکس شده است.

فیلم‌ها همیشه دارای یک بازتاب هستند. روایت‌گر یک اتفاق هستند. فیلم‌هایی که داستان‌های آنها بر اساس یک واقعیت است و یا به بیان زندگی افراد یا یک فرد می‌پردازد. (Maricondi, 2004:5)

پدرو آلمادوار

کارگردان اسپانیایی متولد ۱۹۴۹ میلادی، یکی از افراد تأثیرگذار و پیشروان سینمای جدید اسپانیا در دوران پس از فرانکو است. آلمادوار که به خاطر فیلم‌هایی خاص و متفاوت با زمان جلو آمد. او آثار زیادی دارد که دارای سبک و بیان ویژه‌ی او است، آلمادوار فیلم‌نامه‌های خود را نوشته است، و در سال ۲۰۰۰ با فیلم‌هایی

مانند " همه چیز درباره‌ی مادرم " All About My Mother " خود را به عنوان یک فیلم ساز جهانی معرفی کرد. این فیلم اسکار بهترین فیلم غیرانگلیسی را به خود اختصاص داد.

آلمادوار از سنین پایین به نویسندگی علاقه داشت و می‌نوشت. هنگامی که حدود ده سال داشت، برای مقاله‌ای که در مورد مفهوم بیکران نوشت، جایزه گرفت. آلمادوار در کودکی تحت یک تربیت بسیار شدید کاتولیک رومی قرار داشت او همواره می‌خواست از آن فرار کند.

در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰، مقالاتی را برای انتشارات زیرزمینی مانند Star ، Vibora و Vibraciones نوشت. در دهه ۱۹۷۰، وی به روزنامه‌های دیگری مانند El Pais ، 16 و La Luna Diarو کمک کرد .

طی چند سال، آلمادوار به هنر تئاتر پیوست. او به یک گروه تئاتر آوانگارد، "لس گولیداردوس" پیوست و بازیگری نیز انجام داد. در آنجا او با بازیگرانی روبرو شد که بعداً در فیلم‌های او ستاره شدند. (Epps and Kakoudaki.2009:1).

فیلم بعدی آلمادوار «با او حرف بزن» (۲۰۰۲) بود که جایزه اسکار بهترین فیلم‌نامه را برای او به همراه آورد. فیلم‌های "آغوش‌های شکسته"، "پوستی که در آن زندگی می‌کنم ۲۰۱۱"، "خیلی هیجان زده‌ام" ۲۰۱۳، "خولیتا ۲۰۱۶" و آخرین اثر پر سر و صدای او "درد و شکوه ۲۰۱۹" می‌باشد (Willoquet- Maricondi.2004:5).

آلمادوار با فیلم " درد و افتخار " در جشنواره کن ۲۰۱۹ سر و صدای زیادی کرد و آنتونیو باندراس جایزه بازیگری جشنواره کن را به دست آورد. این فیلم در فستیوال گویا ۲۰۲۰ در اسپانیا موفق به کسب مهمترین جوایز شامل بهترین فیلم، بهترین کارگردانی، بهترین بازیگر مرد برای آنتونیو باندراس، بازیگر زن مکمل برای خولیتا سرانو، فیلم‌نامه غیراقتباسی، تدوین، موسیقی متن شد.

اودراین فیلم داستان‌گویی را با تنوعی همراه ساخته که تماشاگر را خسته نمی‌کند هر چند که با ریتمی نسبتاً کند همراه است. اگر زمان طولانی‌تری نیز داشت، کشش تماشاگرش نزد مخاطب عام فراهم بود. «درد و افتخار» ناخودآگاه مرا به دنیای جوزپه

بازتاب شخصیت کودک متفکر و اجتماعی در فیلم درد و افتخار ساخته ی پدرو

آلمادوار//۱۵۳

تورناتوره و «سینما پارادیزو، Cinema Paradiso برد و بی شک بازی فوق العاده کاراکتر کودک در این فیلم در شکل‌گیری چنین فضایی و یادآوری خاطرات آن ساخته کلاسیک، تأثیر چشمگیری داشت و از این منظر شاید بتوان فیلم تازه آلمادوار را سینما پارادیزوی مدرن خطاب کرد. (خرم دل. تابناک.:۲۰۱۹: ۱)

آلمادوار در طی ۴۰ سال فیلمسازی با الهام گرفتن از فیلم‌های کلاسیک هالیوود، سینمای هنری اروپا و سینمای فولکلوریک و بومی اسپانیا، ماهرانه میان کمدی، ملودرام، فیلم نوآر، متافیکشن، کمدیِ فارس، تریلر و دیگر سبک‌ها در حرکت بوده است.

با اینکه آلمادوار برخلاف مسیر الگوهای روایی سنتی حرکت می‌کند و از مراکز اصلی قدرتِ سینمایی فاصله دارد (از بسیاری جهات پاریس، لندن و برلین فاصله‌ی بیشتری با او و آثارش داشته‌اند تا هالیوود، اما از نظر تجاری موفق است. () .

Willoquet-Maricondi.2004:9(تصویر ۱)



درد و افتخار"

" درد و افتخار " در فیلم قهرمان فیلم سالوادور مالو" نویسنده و کارگردانی است که گذشته‌اش را مرور می‌کند، گذشته‌ای دور در کودکی و حتی سال‌های اخیر زندگی‌اش. سالوادور در این رفت و برگشت فقط به کودکی‌اش سرک می‌کشد. آغاز

فیلم با غوطه ور شدن در آب و رفتن به عمق رؤیاهایش است. فلش بک‌های فیلم ما را مرتب با دوران کودکی این کارگردان پیوند می‌دهد.

"درد و افتخار" که نسبت به ساخته‌های گذشته پدر و آلمادوار بسیار شخصی‌تر است، کارگردانی را نشان می‌دهد که از حرفه‌اش دست کشیده، بیمار است، دچار افسردگی شده و از نظر جسمی قدرتش را از دست داده است. در این فیلم عشق و زندگی جریان دارد. اما یکی از نکات مهم درباره‌ی این فیلم بازنمایی لحظات کودکی در فیلم است. کودکی در این فیلم بسیار پررنگ است.

از طرفی می‌توان گفت که "درد و افتخار" درباره‌ی دوران زوال و پیری است و با اینکه افتخار و موفقیت‌های زیادی در زندگی سالوادور وجود دارد اما درد نیز با او همراه است. تمرکز آلمادوار به مرگ است: مرگ خودش و افرادی که دوستشان دارد، احساسات کارگردانی که دیر یا زود با مرگ روبرو می‌شود و به دنبال راهی برای درک آن است.

رنج‌ها اما منحصر به او نیست و از همان سکانس ابتدایی می‌بینیم که مادر سالوادور به عنوان یک زن روستایی چه مصائبی را بر دوش کشیده و زندگی دشواری را در فقر پشت سر گذاشته و کوشیده فرزندش از کوچک‌ترین فرصت‌ها برای دستیابی به موفقیت بهره‌مند شود. داستان عشق او به مادرش که پس از ترک دنیا هنوز سالوادور را رنج می‌دهد، شاید مهم‌ترین بخش اثر باشد و درد اصلی از اینجا نشأت می‌گیرد. وقتی فلش بک‌ها به بخش کودکی سالوادور به عنوان لایه‌هایی از داستان تمام می‌شود، فیلمساز لایه‌های دیگری را قرار می‌دهد که به واپسین روزهای همراهی سالوادور با مادرش در دوران پیری بازمی‌گردد. (خرم دل، تابناک، ۲۰۱۹: ۱) همچون گذشته، آلمادوار فیلمی درباره‌ی خوشبختی ساخته است: شادی، تیزهوشی و احساسات. فیلمی درباره‌ی خاطرات، هنر، عشاق و مادران و این بار کودکی که پررنگ‌تر است. اما آنتونیو باندرا س انگار برای همچنین نقشی متولد شده است. او، "سالوادور مالو"، کارگردانی است که سال‌ها فیلمی نساخته اما اینقدر پول جمع کرده تا بتواند زندگی آرامی داشته باشد و در عین حال درگیر بیماری‌های مختلفی از

بازتاب شخصیت کودک متفکر و اجتماعی در فیلم درد و افتخار ساخته ی پدر و

آلمادوار/۱۵۵

جمله، سردرد، کمر درد و افسردگی است. تمامی این‌ها رابطه علت و معلولی مرموزی با خلاقیتش دارد .

در صحنه‌های آغازین فیلم سالوادور در کنار رودخانه هست و زنانی در کنار رودخانه آواز می‌خوانند و لباس می‌شویند. سالوادور از شنیدن آوازهای مادرش و دیگران خوشحال است و همان طور که بازی می‌کند آنها را دنبال می‌کند. (تصویر ۲،۳)



اما قصه رسماً از جایی شروع می‌شود که او یکی از دوستان قدیمی و بازیگرش به نام زولما (سیلیسیا روث) را به طور تصادفی می‌بیند. زولما، سالوادور مالو را به دوست

قدیمش آلبرتو (آسیر اکستندی) که سال‌ها پیش زمانی که مالو در حال خلق شاهکارش بود با یکدیگر دچار اختلاف شده بودند را مجدداً مرتبط می‌کند و در رویارویی با آلبرتو، سالوادور با هروئین آشنا می‌شود، سالوادور یاد یکی از متن‌های تئاترش به نام "اعتیاد" می‌افتد. آن را به آلبرتو می‌دهد تا بازی‌اش کند، این کار منجر می‌شود تا افراد گذشته سالوادور به زندگی‌اش وارد شوند. "فدریکو" که نقش او را "لیوناردو اسپارگالیا" "Leonardo Sbaraglia" بازی می‌کند، سالوادور را در غم دوری گذاشته است و سالوادور سینما را بهترین پناه برای فرار از این غم و ناراحتی می‌داند. حالا فدریکو بعد از سال‌ها به مادرید برگشته و اتفاقی با دیدن نام سالوادور به دیدن این اثر می‌رود و در ادامه هر دو با هم روبرو می‌شوند. (تصویر ۴)



کریستین متز، پژوهشگر سینما، و یکی از برجسته‌ترین محققان نظریه فیلم، در کتاب متز بیان می‌دارد که سینما ساختاری همچون زبان دارد (Metz, 1968:12). تجدید دیدار عاشقانه او و فدریکو با فضا سازی و بازی‌های فوق العاده‌ی انتونیو باندراس که او را متفاوت از تمام باندراس‌های قبلی نشان می‌دهد. حالا سالوادور را به نوعی وصال بعد از سال‌ها فراغ و لحظات زیبا تبدیل می‌کند. گویا سال‌ها انتظارش را جواب گرفته، هروئین را دور می‌ریزد و به استقبال فدریکو تا دم در می‌ایستد. در این جاست که به‌طور ناگهانی خلق و خویش تغییر می‌کند. بعد از رفتن فدریکو حالا یک سالوادور دیگر است تمایل دارد نامه‌هایی که برایش رسیده‌اند را جواب دهد و دعوتنامه‌هایی را که برایش فرستاده شده را بررسی کند او از "مرسدس

بازتاب شخصیت کودک متفکر و اجتماعی در فیلم درد و افتخار ساخته ی پدر و

آلمادوار//۱۵۷

" با بازی "نورا ناواس" Nora Navas" که در طول فیلم او را همراهی می کند و در شرایط سخت هوایش را دارد می خواهد که به خانه اش برود و اتاق مادرش که برایش بسیار ارزشمند است را به او می دهد .

به همراه او برای درمان به دکتر می رود و پیشنهاد عمل جراحی به او داده می شود. یک روز "مرسدس" دعوتنامه ها را برایش می خواند و در میان آنها یکی از دعوت نامه ها نظر او را جلب می کند. با دیدن تصویر ما متوجه حضور تصویری از کودکی سالوادور در آن تبلیغ می شویم که که مر بوط به یک نمایشگاه نقاشی است. او با مرسدس به دیدن آن نمایشگاه می روند و آن اثر را خریداری می کنند. اثری که متعلق به ادواردو کارگر ساختمان است که در کودکی اش، خانه ی آنها را تعمیر کرده بود. ضمن اینکه که ما در طول فیلم ما با خصلت سالوادور به عنوان یک خریدار و علاقمند به آثار هنری آشنا شده ایم. سالوادور نقاشی را از قاب درمی آورد و پشت آن یادداشتی را می بیند و با نقاشی باز به ۵۰ سال قبل خود می رود .

تا قبل از این صحنه کودکی سالوادور را دیده ایم و با دیدن نقاشی متوجه یک اثر مربوط به گذشته می شویم.

زمانی که ادواردو این نقاشی را از او کشید به خاطر می آورد. کل فیلم رفت و برگشت های زمانی سالوادور به دوران کودکی است. او در این برگشت به خوبی آموزش دادن به ادواردو را به یاد می آورد. آن جاست که سالوادور متوجه می شود که مادرش هیچ وقت این نوشته ی ادواردو را به او نداده است. (تصویر ۵)



در نهایت او تصمیم می‌گیرد معالجات خود را آغاز کند و در انتهای فیلم باز هم با یکی از صحنه‌های کودکی روبرو می‌شویم، که نشان از بازسازی یکی از بخش‌های کودکی در یک فیلم است و مخاطب همین جا با کودکی سالوادور و سؤال‌هایش فیلم را در ظاهر تمام می‌کند.

اینکه آیا سالوادور حالا فیلمی از کودکی‌اش ساخته، یا در ذهنش قرار است بسازد، ما را تا بعد از فیلم همراه می‌کند. رفت و آمدها به کودکی از آغاز فیلم که غوطه‌ور در آب بود تا زمانی که می‌خوابد و یا برای اولین بار هروئین مصرف می‌کند، وجود دارد. طولانی‌ترین زمان ماندن در کودکی‌اش مربوط به زمانی است که برای اولین بار هروئین مصرف کرد و در منزل "آلبرتو" به خواب رفت.

تمام مدت مادرش، با بازی "پنه لوپه کروز" در نقش جوانی و "ژولیتا سرانو" در نقش پیری، را به یاد می‌آورد. مادرش از بیان خاطراتش خودداری می‌کند و به او می‌گوید: نمی‌خواهم که هیچ کدام از اینها را در فیلم‌هایت نشان بدهی.

(تصویر ۶)

بازتاب شخصیت کودک متفکر و اجتماعی در فیلم درد و افتخار ساخته ی پدرو

آلمادوار//۱۵۹



مانوئل یانیز موریو- متنی ستایش آمیز برای «فیلم کامنت» نوشت و در آن فیلم را «یک خودافشاگری جسورانه ی شخصی، هنری و تاریخی و اثری متعالی در مجموعه ی آثار آلمادوار» خواند. درباره ی حضور صحنه های کودکی در فیلم نوشت : آنچه در دوران گذشته سالوادور در فیلم درد و افتخار دیده می شود، دوران کودکی او است، که در نهایت نشان دهنده ارتباط شخصیت او با شخصیتی آرام، صلح طلب و معصوم است. (Yáñez Murillo on March 22, 2019. www.filmcomment.com (Manu

در یکی از صحنه های بازگشت به دوران کودکی که مربوط به ادواردو و سالوادور است، شاهد صحنه ای هستیم که سالوادور و ادواردو در خانه تنها هستند و ادواردو تصمیم می گیرد از سالوادور که در حال کتاب خواندن است نقاشی بکشد این نقاشی روی قطعه ای از یک مقوای کارتن کشیده می شود که بعدها در گالری به عنوان یک اثر به نمایش گذاشته می شود. این صحنه دارای یک قاب بندی کلاسیک، شاعرانه و احساسی و در عین حال با ظرافت دنیای کودکی و معصومانه است. نورها و رنگ هایی که فضا را به سمت معصومیت و پاکی پیش می برد، قابل تحسین است. (تصویر ۷)



ادواردو نقاشی‌اش را می‌کشد و در آشپزخانه‌ی آنها حمام می‌کند و از سالوادور می‌خواهد برای او حوله ببرد و سالوادور کوچک برای اولین بار با تصویری جدید روبرو می‌شود سالوادور اولین رویارویی خود را با برهنگی این صحنه او را درگرون می‌کند. هنگامی که مادر سالوادور به خانه می‌آید و متوجه حمام کردن ادواردو در خانه می‌گردد، بسیار ناراحت می‌شود. زیرا رویارویی کودکش را با اندام برهنه‌ی یک مرد را درک می‌کند. این صحنه زیرکانه نشان داده شده است و شاید خالق اثر در یادآوری گذشته به ویژه کودکی‌اش، صحنه‌ی اندام برهنه‌ی ادواردو را به خوبی به یاد بیاورد. رنگ قرمز که در قاب بندی‌های کودکی سالوادور دیده می‌شود به طرز هوشمندانه‌ای در زندگی حال سالوادور هم دیده می‌شود. کارگردان، به ارتباط رنگ‌ها در این دو فضا نیز توجه دارد.

شاید بهتر است این‌گونه بگوییم یکی دیگر از عوامل مؤثر در ایجاد فرم متفاوت این باید از "آنتوان گومز" طراح صحنه این فیلم یاد کرد که به خوبی کارش را انجام داده است و رنگ قرمز را به عنوان المان سالوادور به گونه‌ای در طراحی صحنه و اجزا قرار داده که از کار مجزانیست و گرمی و صمیمیت را به خصوص در طراحی فضای دوران کودکی سالوادور برای قاب دوربین فراهم کنند. (خرم دل و تابناک: ۲۰۱۹: ۱)

بازتاب شخصیت کودک متفکر و اجتماعی در فیلم درد و افتخار ساخته ی پدر و

آلمادوار ۱۶۱//

و در نهایت فیلم با صحنه‌ای از کودکی به پایان می‌رسد. " درد و افتخار" فیلمی درون یک فیلم دیگر است. شاید تصور یک کارگردان از کودکی در این فیلم و دوران کودکی سالوادور ما با کودکی متفاوت روبرو هستیم. کودکی با سواد، متفکر و اجتماعی. (تصویر ۸)



سالوادور بیش از آنکه به گذشته پناه ببرد، می‌کوشد ریشه‌های دردهایش را در گذشته بیابد و از قضا در سکانس‌های پایانی می‌بینیم که او از گذشته برای بازیابی خودش بهره برده و اکنون در حال زندگی می‌کند و فیلم آخرش را می‌سازد که به نوعی فیلمی درون این فیلم است.

سالوادور، کودکی متفکر و اجتماعی

فرم فیلم ساده و بیانی راحت دارد. فلاش بک‌هایی در خط روایی داستان، وجود دارد که به آرامی شخصیت سالوادور را شکل می‌دهد. به ویژه اینکه این فلاش بک‌ها به دوران کودکی بر می‌گردد. لحن خویشستن دارانه و گاهی مینی‌مال آلمادوار در پرداختن به موضوعی که سراسر شادی و خشم و رنج است به فیلم، هو شمندی و عمقی بخشیده که مثال‌زدنی است.

در این فیلم تنها دو برهه از زندگی سالوادور به ما نشان داده می‌شود، یکی کودکی و دیگری دوران سالخوردگی است. این موضوع به ما نشان می‌دهد که تمام

اتفاقات زندگی او همچون حلقه‌های زنجیری به یکدیگر متصل است. (یعقوبی، ۲۰۱۳:۹۸)

همچون گذشته، آلمادوار فیلمی درباره خوشبختی ساخته است: شادی، تیزهوشی و احساسات. فیلمی درباره خاطرات، هنر، عشاق و مادران که اگر چنین داستانی به دست کارگردان دیگری به جز او می‌افتاد هدر می‌رفت. اما آلمادوار استاد خود ارجاعی و شکل‌دهی به معنا با استفاده از متون دیگر است: فیلمی درون یک فیلم دیگر، داستانی درون داستانی دیگر و رویایی درون رویای دیگر. آلمادوار بسیار خلاقانه کار می‌کند و احساس می‌کنم که این فیلم اینقدر روان و اغواکننده است که تا پنج ساعت دیگر هم می‌تواند ادامه پیدا کند. (بردشاو، ۲۰۱۹: ۱).

-شخصی بودن نقطه‌نظر فیلم و درام‌گند اما پر جزئیات و هوشمندانه آلمادوار مجموعه‌ای ساخته که در نهایت به دل می‌نشیند. فیلمی که سراسر به لحظه‌های کودکی اشاره دارد و فلش‌بک‌های کودکی حلقه‌های اتصال قسمت‌های مختلف فیلم است.

الکساندر می‌گوید: هنرمندان بزرگ در تماس با روح زمان خود هستند، با انگشتان‌شان نبض جامعه را می‌گیرند و با صداقت بزرگترین حقایق را در آثار خود در مورد جامعه نشان می‌دهند و به تصویر می‌کشند (Alexander, 2003:32)

خانواده اولین نهاد اجتماعی انسان است و کودک در خانواده‌ی خود اولین ساختار اجتماعی را تجربه می‌کند. تربیت هر فرد ابتدا از خانواده شکل می‌گیرد. الگوپذیری کودکان از خانواده نیز اولین تأثیرپذیری آنهاست.

سالوادور در این فیلم به همراه پدر و مادرش به مکانی می‌رود که مادرش آن جا را غار می‌نامد. مادر او در تربیت فرزندش بسیار تلاش می‌کند. او زنی سازنده است و در طول فیلم سعی دارد که شرایط سخت زندگی را به شکلی زیبا تغییر دهد. سالوادور کوچک در آن روستا یک کودک با سواد است. مادرش معتقد است که داشتن سواد به انسان کمک می‌کند که پیشرفت کند و به جاهای خوب برسد. همین است که سالوادور کوچک را از بقیه جدا می‌کند. اگرچه در طول فیلم مادر تلاش دارد او را به مدرسه بفرستد.

بازتاب شخصیت کودک متفکر و اجتماعی در فیلم درد و افتخار ساخته ی پدر و

آلمادوار/۱۶۳

فیشر در کتاب آموزش تفکر به کودکان می گوید: سواد، یعنی توانایی خواندن و نوشتن باعث تقویت شکل انتزاعی تر تفکر می شود. سواد باعث می شود که معانی اصطلاحات، با دقتی بیشتر بکار برده شود. سواد اجازه ی بازگشت به گذشته را به ما می دهد تا درباره ی تفکر خود بیاندیشیم. استدلال ها را ارزیابی کنیم. حافظه را تکمیل نماییم. فعالیت های آینده را سازماندهی نماییم و با سایرین ارتباط برقرار کنیم و با آزادی عمل و بدون کنترل به دیگران بیاموزیم. تعجبی ندارد که چنین شکل قدرتمندی از هوش، کلید موفقیت در مدرسه و بعد از آن است. (صفایی و نجاریان ۱۳۸۶: ۴۳)

آشنایی ادوارد که کارگر ساختمان است و سالوادور زمانی است که او سالوادور را در حال خواندن کتاب می بیند و متوجه می شود که او یک کودک با سواد است مادر سالوادور که در فیلم همیشه مراقب کودکش هست بعد از آشنا شدن با ادوارد به او می گوید که هر کسی باید سواد داشته باشد، آنها قرار می گزارند که سالوادور به او خواندن و نوشتن یاد بدهد و در عوض او دیوارهای خانه ی آنها را تعمیر و نقاشی کند. سالوادور کودکی با هوش است. زمانی که به ادوارد درس می دهد او درس می دهد سعی می کند او را تشویق کند که از توانایی نقاشی و طراحی اش استفاده کند، چرا که ادوارد نقاش خوبی است، او می گوید که برای نوشتن و یاد گرفتن حروف فکر کند که نقاشی می کشد. (تصویر ۹)



سالوادور کوچک نوشتن را به ادواردو آموزش می‌دهد و حتی دست او را می‌گیرد و مانند یک معلم او را آموزش می‌دهد. یکی از قاب بندی‌های زیبای این فیلم این صحنه هست. دست کوچکی که دستان بزرگتری را کمک می‌کند. سازندگی در سالوادور کوچک شاید از رفتارهای مادر به او انتقال داده شده است. مادری که تلاش می‌کند از آن خانه‌ی دخمه‌ای یا غار یک خانه‌ی زیبا بسازد مادری که خیاطی می‌کند، کار خیر و ...

خانواده در زمینه تکامل دوران کودکی تأثیر اولیه دارد. بیشترین محرک محیطی برای کودکان و کنترل کننده سایر ارتباطات کودک، خانواده است. مهمترین مشخصه پنهان خانواده، منابع اقتصادی و اجتماعی آن است. منابع اجتماعی مانند مهارت والدین، شیوه‌های فرهنگی، و وضعیت سلامت اعضا خانواده و منابع اقتصادی شامل ثروت و وضعیت اشتغال است که همگی در این قسمت مهم است.

جامعه پذیر کردن یا تربیت اجتماعی، از کارکردهای مهم یک خانواده‌ی مطلوب است. جامعه‌شناسان در تعریف جامعه‌شناسی آن را فراگردی دانسته‌اند که انسان‌ها از طریق آن شیوه‌های زندگی جامعه‌ی خود را یاد می‌گیرند، شخصیتی کسب می‌کنند و آمادگی عملکرد به عنوان عضوی از یک جامعه را می‌یابند (آلیوس، ۱۳۹۳: ۷۴)

سالوادور کوچک شرایط خانواده‌اش را می‌فهمد و در تصاویر فیلم همراه خانواده است. در ورود به روستای جدید، رفتن کنار رودخانه، لباس شستن و آب آوردن برای خانه و .. مادر را همراهی می‌کند. او در فرایند رشد خود با آموزش بسیار دقیق از طرف مادرش همراه است. مادرش دوست دارد سالوادور کودکی متفاوت و با سواد شود.

رشد یک فرایند چند بعدی است. این رشد شامل رشد جسمی، رشد زبانی، رشد عاطفی، رشد شناختی "Development Cognitive"، رشد اجتماعی، رشد اخلاقی و رشد شخصیتی است و توجه به مطالعه در مورد تمام این جنبه‌ها یکی از اهداف روان‌شناسی رشد است. اهمیت این توجه به تمام ابعاد رشدی باعث آگاهی و شناختی متعادل و چند بعدی در مورد کودک می‌شود و والدین و سایر افراد مرتبط با

بازتاب شخصیت کودک متفکر و اجتماعی در فیلم درد و افتخار ساخته ی پدر و

آلمادوار/۱۶۵

کودک را در درک و رفتار صحیح با کودک یاری می‌نماید .
(www.elearnpars.org)

تأثیرپذیری از دقت و آموزش‌های مادر به سالوادور در او به مرور دیده می‌شود. در کل فیلم و رفت و برگشت‌های زمانی به قدرت رابطه‌ی مادر و پسر پی می‌بریم. چیزی که در خود " پدر و آلمادوار " وجود دارد. او بارها علاقه به مادرش را در فیلم‌هایش بیان کرده است .

مادر سالوادور که نقش جوانی‌اش را پنه لوپه کروز بازی می‌کند در تعامل و تقابل با سالوادور کوچک برای فرستادن او به مدرسه‌ی مذهبی است. او با انجام کارهای خیریه در کلیسا تلاش دارد که بتواند سالوادور را در یکی از مدارس مذهبی ثبت نام کند. در یکی از صحنه‌ها سالوادور به مادر اعتراض می‌کند و به او می‌گوید که دوست ندارد به این مدرسه برود اما مادر از او می‌خواهد که به حرفش گوش کند چرا که آنها متعلق به طبقه‌ی فقیر جامعه هستند و هزینه‌ی رفتن به مدرسه را ندارند و مدرسه‌ی مذهبی تنها راه برای اوست می‌تواند او را با سواد کند. او حتی در مدرسه هم به معلم خود می‌گوید که از این مدرسه خوشش نمی‌آید. اما در کلیه‌ی درس‌ها و فعالیت‌ها شرکت می‌کند و حتی دانش‌آموز خوبی است. سالوادور قدرت نقد و تحلیل دارد. سالوادور دارای تفکر انتقادی است و فکر کردن از ویژگی‌های اجتماعی انسان‌هاست.

باید اذعان نمود که کودکان، متفکران خلاق هستند و دوران کودکی بهترین دوران برای دریافت استعداد فلسفی کودکان محسوب می‌شود، کودکان درگیر با فلسفه قادرند زندگی را از چشم انداز خود و با دیدی جدید و متفاوت ببینند و می‌توانند ایده‌هایی را ارائه دهند که کودکان دیگر از دادن چنان ایده‌هایی عاجزند)

(Shepherd & Mhlanga.2014:3)

سالوادور فقط در طول فیلم به عنوان یک نویسنده و کارگردان مطرح و صاحب نام دیده نمی‌شود، بلکه در ورود و خروج به صحنه‌های کودکی ما سالوادور را کودکی هوشمند، خلاق و متفکر می‌بینیم. این دقت و متفاوت دیدن او از جایی که مادر خانه‌ی جدیدشان را غار خطاب می‌کند. اما سالوادور به آسمان آبی که در بخشی از

خانه دیده می‌شود اشاره می‌کند و می‌گوید ولی از درون خانه می‌توانیم آسمان را ببینیم. شاید بتوانیم بگوییم که او دارای یک روحیه مثبت‌گرای و تخیل است. دانش ما درباره‌ی تفکر تا حد زیادی از دو سنت متمایز فلسفه و روانشناسی ناشی می‌شود. فلاسفه مدت‌ها ذهن انسان را به مثابه جایگاه عقل و پرورش عقل را هدف نهایی تعلیم و تربیت دانسته‌اند (فیشر، ۲۰۰۳: ۲۷) فکر کردن از ویژگی انسان‌هاست و در این میان انسان‌هایی که دارای تفکر انتقادی هستند انسان‌هایی هستند که اجتماعی‌اند. به عبارتی تفکر انتقادی انسان را به اجتماعی بودن دعوت می‌کند. تفکر در یک زمینه‌ی اجتماعی صورت می‌گیرد و کودک متفکر یک کودک اجتماعی است. سالوادور در فیلم فردی است که دارای شهرت و اعتباری جهانی است و حالا به دلیل بیماری و خستگی و مشکلاتی که دارد در خلوت خودش می‌باشد اما انسانی است که به واسطه سینما در میان اجتماع است. سالوادور در کودکی نیز یک کودک خلاق، متفکر با روابط اجتماعی است. او به راحتی همه را تحت تأثیر استعدادهای خودش و توانمندی‌هایش می‌کند. او در قالب یک کودک به صورت معلم به ادواردو که سال‌ها از او بزرگتر است درس می‌دهد.

او کودکی پر سش‌گر است. در سکانسی که با مادرش درباره‌ی سینما و تایلورها می‌پرسد، خود را کودکی کنجکاو و کاشف‌گر معرفی می‌کند.

رانکو Runko معتقد است خلاقیت به تدریج و همراه با رشد فرد و دستیابی به تجارب زندگی، ممکن است در مراحل با اوج و فرودهایی که در طول زمان ظاهر می‌شود تحول یابد. (لنسر Lenser و هیلمان Hilman به نقل از دیسی ۱۹۸۹)

کودک فیلم دارای ابعاد زیادی است. که می‌توان اینگونه آن را بیان نمود: از هر چیز مهم‌تر سالوادور، مصومیت کودکانه‌ی خود را در طول تمام لحظاتی که فیلم به به دوران کودکی می‌رود دارد. حتی جایی که از دست مادر ناراحت می‌شود و فرار می‌کند و مادر به دنبال او می‌رود. وقتی مادر برایش شرح می‌دهد که چون آنها فقیر هستند او مجبور است که او را به مدرسه‌ی مذهبی برود، چون این تنها راه باسواد شدن او است. اینجا است که او سکوت می‌کند و می‌پذیرد. او تکرار یکی از این صحنه‌ها را در زمان معروفیت خودش نیز دارد جایی که مادر به او می‌گوید نباید از

بازتاب شخصیت کودک متفکر و اجتماعی در فیلم درد و افتخار ساخته ی پدرو

آلمادوار//۱۶۷

زندگی اش و خاطراتش فیلمی ساخته شود. سالوادور از کودکی دارای قدرت برقراری ارتباطات است. چون به خوبی خانواده و اطرافیان را می‌فهمد.

جان دیویی درباره‌ی ارتباط اینگونه بیان می‌کند. میان واژه‌های مشترک، اجتماع و ارتباطات، چیزی بیش از پیوند کلامی وجود دارد. انسان‌ها به دلیل چیزهای مشترکی که دارند در اثر اجتماع محدود زندگی می‌کنند ارتباطات مسیری است که به کمک آن، چیزهای مشترک را صاحب می‌شوند. (راجرز، ۱۳۸۷: ۱۲۴).

او از وجوه متفکرانه‌اش در زندگی توانسته استفاده کند و مسیرهای پر افتخار را طی کند. سالوادور علاقه به کتاب خواندن و دیدن فیلم دارد. از اینکه او در حال حاضر یک نویسنده و سینماگر معروف است، نشان از این است که او این خصوصیت را در درون خودش به قدرت رسانده است.

بر اساس پژوهش بلوم "Bloom" تفکر سطوح مختلف دارد که سطوح پایین آن عبارتند از: دانش (آگاهی از اطلاعات)، درک مطلب (فهمیدن اطلاعات) و کاربرد (استفاده از اطلاعات) و سطوح بالاتر آن شامل: تجزیه (تفکیک اطلاعات)، ترکیب (آفرینش چیز جدیدی از اطلاعات قبلی) و ارزشیابی (ارزشیابی دانش) می‌شود. (Nilson, 2010:225)

فیشر معتقد است که: خلاقیت فقط ارائه راه حل‌های جدید برای رفع مشکلات نیست، بلکه ارائه راه حل‌های بهتر است و این مستلزم قضاوت انتقادی خواهد بود. پیدا کردن راه حلی نو برای یک مسئله پیچیده منطقی می‌تواند مستلزم داشتن توانایی نوآوری خلاقانه باشد. تعلیم و تربیتی که فقط روی یک نوع تفکر تمرکز کند، ناقص و ناموزون خواهد بود (فیشر، ۱۳۸۷: ۲۸)

می‌توانیم کلیه‌ی تفکرها را در شخصیت سالوادور کوچک ببینیم، این تفکرات از سالوادور کودکی اجتماعی ساخته است.

هر دو تفکر انتقادی و خلاق برای اینکه پیشرفت کنند به اصل سومی احتیاج دارند که لیمپن آن را تفکر مراقبتی "Caring tinkering" نامیده است. مراقب بودن بیش از همه به معنای آگاه بودن از شبکه روابط انسانی است که هر فردی درگیر آن می‌باشد. از سوی دیگر، مراقب بودن یعنی آگاهی از تأثیرات کنش یک فرد (شامل

گفتار و حالات صورت) بر افرادی که در اجتماع با او پیوند دارند. فرد مراقب کسی است که نسبت به بقیه آگاه تر است و انتظار نتیجه معقول را دارد (Gregory, 2000: 423).

تفکر مراقبتی بر ساختن همکاری، نگهداری ارزش‌ها و روابط متمرکز است و کودک را قادر می‌سازد که ارتباط با خود و دیگری را مدیریت کند. یاد می‌گیرد چگونه شخصی می‌تواند خود را به جای دیگری بگذارد و نقطه نظرات، علاقمندی‌ها و نگرانی‌هایش را بررسی کند (Sharp, 2007: 2-3).

آلمادوار با ظرافت در طول فیلم کودک داستان خود را معرفی می‌کند. فیلم با صحنه‌ای تمام می‌شود که مادر و پسر در کودکی با هم پرسش و پاسخ‌هایی داشتند و از همه مهم‌تر در فیلم یا قصه‌ای دیگر سالوادور تمامی ویژگی‌های یک کودک اجتماعی را دارد. (تصویر ۱۰)



نتیجه گیری

آلمودوار بسیار خلاقانه کار می کند او این بار با ظرافت به دوران کودکی در انسان می پردازد درد و افتخار فیلمی روان و تفکر برانگیز است که تا ساعت ها بعد هم می تواند ادامه پیدا کند و بعد از اتمام مخاطب را با خودش همراهی کند.

- شاید در نگاه اول اینطور به نظر برسد که این فیلم درباره ی دوران پیری است اما داستان آن بر محور عشق، گذشت و امید می چرخد. اگر کمی دقت کنیم می بینیم که در این فیلم تنها دو برهه از زندگی را نشان می دهد، یکی کودکی و دیگری دوران سالخوردگی است. این موضوع به ما نشان می دهد که تمام اتفاقات زندگی او همچون حلقه های زنجیری به یکدیگر متصل است. حال این تصمیم با خود اوست که با درد و افتخار زندگی کند یا اینکه با درد افتخار زندگیش را به پایان برساند و از همه مهم تر پرداختن به دوران کودکی است.

- در این فیلم آلمادوار به تمامی سختی هایی که یک انسان متفکر و اندیشمند می شد، اشاره می کند و این شکل گیری تفکر را به کودکی ارجاع می دهد.

- خانواده پایدارترین و مؤثرترین گروه اولیه است که در تکوین شخصیت کودک و نوجوان تاثیر به سزایی را ایفا می کند. دلیل اصلی تأثیر پذیری فرزندان از خانواده الگو بودن پدر و مادر برای آنهاست، تأثیر و تلاش مادر در فیلم برای رشد و متفاوت بودن کودکش دیده می شود.

- دانش (آگاهی از اطلاعات)، درک مطلب (فهمیدن اطلاعات) و کاربرد (استفاده از اطلاعات) و سطوح بالاتر آن شامل: تجزیه (تفکیک اطلاعات)، ترکیب (آفرینش چیز جدیدی از اطلاعات قبلی)، و ارزشیابی (ارزشیابی دانش) از جمله خصوصیات یک کودک خلاق، متفکر و در نهایت اجتماعی است که آلمادوار آن را در طول فیلم از سالوادور نشان می دهد.

- کودکانی که قدرت تفکر دارند، اجتماعی هستند و به خوبی می توانند با دیگران ارتباط داشته باشند و داشتن این ارتباط از آنها فردی اجتماعی می سازد.

- "درد و افتخار" می‌تواند فیلمی برای فکر کردن به دوران کودکی باشد. دورانی که انسان را می‌سازد و انسان‌ها به آن رجوع خواهند کرد .

منابع

۱. آلیوس، جیمز، جنکس، کریس و پروت، آلن. (۱۳۹۳) جامعه‌شناسی دوران کودکی. ترجمه علیرضا کرمانی و علیرضا ابراهیم آبادی، تهران: ثالث.
۲. حافظ نیا، محمدرضا، (۱۳۹۹)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران: سمت
۳. راجرز، اورت میچل (۱۳۸۷)، تاریخ تحلیلی علم ارتباطات: (رویکردی شرح حال نگارانه)، ترجمه غلامرضا آذری، ج ۱، تهران: دانژه
۴. فیشر، رابرت. (۱۳۸۷) آموزش تفکر به کودکان. ترجمه مسعود صفایی مقدم و افسانه نجاریان. تهران: رشد
۵. ویکتوریا دی، الکساندر (۱۳۹۲) جامعه‌شناسی هنر: کاوش در فرم‌های زیبا و محبوب. ترجمه روادراد، اعظم. آکادمی هنر. ایران
۶. آذری، غلامرضا، صفا، کاظم (۱۳۹۲) «جدایی نادر از سیمین» بازنمایی تصویر جوانان در سینمای ایران: مطالعه موردی فیلم، فرهنگ ارتباطات-تابستان -دوره ۳- شماره ۱۰
۷. بردشواو، پیتر، «نقد فیلم درد و افتخار، Pain and Glory, ترکیب زندگی و موسیقی در نمایش پر زرق و برق و غمگین‌آلودار»، ترجمه مهتاب عیوضی، گاردین
۸. مکتبی فرد، لیلیا (۱۳۸۹) «سیر تحول و شکل‌گیری مهارت‌های تفکر انتقادی در داستانهای تألیفی ایرانی برای کودکان و نوجوانان» تفکر و کودک، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال اول، شماره اول، بهار و تابستان صص ۱۰۳-۱۲۴
۹. میرفخرایی، تژا، صامتی، مر ضیه (۱۳۹۵) «مطالعه نشانه شناختی تصویر کودکی در سینمای کودک و نوجوان ایران، مطالعه موردی مفهوم کودکی در فیلم «کودک و فرشته»، ن جامعه، فرهنگ و رسانه « بهار ، شماره ۱۸، صص ۲۲ تا ۴۰
۱۰. هدایتی، مهرنوش، قاضی؛ یحیی و همکاران (۱۳۸۹) «کودکان متفکر، روابط میانرندی مؤثر «فلسفه برای کودکان» مطالعه تحقیقی پیرامون تأثیر برنامه بر ارتباطات اجتماعی کودکان» سال اول، شماره اول، بهار و تابستان ، صص ۱۴۵-۱۲۵

بازتاب شخصیت کودک متفکر و اجتماعی در فیلم درد و افتخار ساخته ی پدرو

آلمادوار//۱۷۱

۱۱. -خرمدل، مهدی. (۲۰۱۹) «درد و جلال، آلمادوار و سینمای جدید پارادیسو». ۱۳

سپتامبر ۲۰۱۹. ایران. www.tabnak.ir

۱۲. -یعقوبی، وحید. (۲۰۱۹) « بررسی درد و شکوه»، مجله اینترنت 7 Saate. ایران.

www.saate7.com

1. -Alexander .Victoria D . (2003) . Sociology of the Arts: Exploring Fine and Popular Forms. Wiley. USA.
2. -Clarebeaux Liege, Michel Clarebeaux (2010). Film Education: Memory and Heritage(Educación en cine: memoria y patrimonio Comunicar). n. 35, v. XVIII . Scientific Journal of Media Literacy. Spain
3. -Davis, R. (2007). Putting the Community Back in to Inquiry Based Learning: Why Inquiry Based Learning Should Back as well as Forward, New Zealand": Journal of Teacher's Work. Vol. 4, Issue. 2.
4. - Delgado ,Maria .(2019). www.bfi.org.uk. «: Pedro Almodóvar makes an art form out of reminiscence». The International Film Magazine “ sight-sound” . 30 August 2019.UK.
5. Gregory, Maughn(2000)« Care as a Goal of Democratic Education» Montclair State University, Journal of Moral Education, Vol. 29, No. 4
6. Jackson, T.E and Deutsch, E. (1987).« Where we are now» Journal of Thinking, 6(2), 12-14.
7. Jarvie , Ianc. (1998) Towards a sociology of the cinema, Longon , uk: Routledge
8. Keene, Judith(2016)«The child witness and cultural memory in European war cinema», Article in International Journal of Media and Cultural Politics • March 2016 DOI: 10.1386/macp.12.1.95_1
9. Marvin D'Lugo, Marvin and Veron, Kathleen M (Editors).(2013) . A Companion to Pedro Almodóvar . West Sussex, UK: Wiley-Blackwell.

10. Metz, Christian (.1974). *Film Language: A Semiotics of the Cinema*. The university of Chicago Press. USA.
11. Nilson, Linda.B. (2010). *Teaching at its Best. A research-Based Resource for college instructors*. 3rd Edition. Jossy-Bass publication
12. Sharp, Ann M. (2007)« Education of the emotions in the classroom community of inquiry ». *Gifted Education International*, 22(2/3).
14. Shepherd, N dondo & Mhlanga Daniel.(2014). «Philosophy for Children»: A Model for Unhu/Ubuntu Philosophy. *International Journal of Scientific and Research Publications*, Volume 4, Issue 2, February 2014 . Lupane State University.
15. Shepherd, Daniel (2005)“Creative Engagements: Thinking with Children” Oxford, United Kingdom.
16. Tikkanen ,Amy .(2013). www.britannica.com/biography/Pedro-Almodovar. This article was most recently revised and updated by Amy Tikkanen, Sep 21, 2019.
17. Willoquet -Maricondi ,Paul .(2004) .*Pedro Almodóvar: Interviews (Conversations With Filmmakers Series)* . Universit Press Mssissippi .UAS..
18. Waston, James & Hill Anne (2006) *Dictionary of Media and Communication*
19. Yanez Murillo ,Manu .(2019). www.filmcomment.c. Review Pain and Glory. March 22, 2019. USA.
20. <https://elearnpars.org/article/Child-Psychology>